

بررسی کیفیت عوامل فضایی و کالبدی فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند*

رحمت محمدزاده**

دانشیار گروه معماری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۵/۳)

چکیده:

این مقاله درصدد بررسی کیفیت عوامل کالبدی فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند تبریز است. مقاله حاضر به روش پیمایشی و از نوع توصیفی - مقطعی انجام گرفت. ۳۳۰ خانوار ساکن به صورت نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. کلیه تحلیل ها با استفاده از نرم افزار SPSS 13.0 انجام پذیرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که ۵۰٪ واحدهای مورد پژوهش، کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب، ۴۸٪ مطلوب و ۶٪ نامطلوب ارزیابی نموده اند. میانگین و انحراف معیار نمرات افراد نمونه در رابطه با میزان رضایت از کیفیت فضاهای باز شهر جدید سهند به ترتیب ۲/۴۹ و ۰/۵۱ بود. تفاوت میانگین نمرات افراد نمونه براساس نتایج آزمون فریدمن معنی دار بود ($P < ۰/۰۵$). نتایج آزمون کای دو (X^2) نشان داد بین متغیر گروه های سنی، وضعیت تاهل، جنس، بعد خانوار، تعداد فرزندان زیر ۱۸ سال، میزان تحصیلات، نوع اشتغال و کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند در افراد نمونه اختلاف معنی داری وجود دارد ($P < ۰/۰۱$). بنابراین، به موازات افزایش جمعیت، بایستی توسعه کمی و ارتقای کیفی فضاهای باز مجتمع های مسکونی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند.

واژه های کلیدی:

کیفیت فضاهای باز، مجتمع های مسکونی، شهر جدید، سهند.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با همین عنوان بوده که با حمایت مالی مدیریت محترم امور پژوهشی دانشگاه تبریز انجام پذیرفته است.

** تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۲۱۲۲، نمابر ۰۲۱-۳۳۵۶۰۱۳، E-mail: rahmat@tabrizu.ac.ir

مقدمه

ارتباط می یابد. زمانی که مکان هویت خود را از دست بدهد، انسان نمی تواند با محیط خود احساس نزدیکی کند. شهر جدید سهند تبریز نمونه ای از این شهرها است. با آنکه مطالعات مکانیابی این شهر از بهمن ماه سال ۱۳۶۶ شروع شد و در آبان ماه ۱۳۶۹ به تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی رسید لیکن باید دانست که از ۱۵۰ هزار نفر جمعیت پیش بینی شده برای سال ۱۳۹۰ (به عنوان جمعیت افق طرح)، تنها ۱۵/۵ هزار نفر (حدود یک دهم) با فراز و نشیب زیاد در سال ۱۳۸۶ جذب این شهر شده اند (محمدزاده، ۱۳۸۰، ۶۲). به همین جهت، فضاهای شهر، نسبت به جمعیت موجود بسیار خلوت می نماید؛ بدون اینکه چندان از سرزندگی و نشاط شهری خبری باشد، اغلب مردم نیازهای خود را از مناطق اطراف به ویژه کلان شهر تبریز تامین می کنند. صرف نظر از کمبود امکانات و خدمات، این شهر حتی فاقد گورستان است؛ شهروندان در اثر سفرهای مبتنی بر اتومبیل، علاوه بر اتلاف وقت و صرف هزینه های زیاد به ایجاد ترافیک غیر ضروری، آلودگی محیط زیست و بروز مشکلات روحی و روانی دامن می زنند.

این در شرایطی است که طی چند سال اخیر، توسعه مجتمع های مسکونی متراکم و انبوه بویژه مسکن مهر جزو سیاست ها و برنامه های اصلی شهر سهند اعلام گردیده است. بنابراین خواسته و ناخواسته از این به بعد، رشد جمعیت این شهر شتاب می گیرد. سؤال اساسی که مطرح می شود این است که فضاهای عمومی و باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند در راستای تحقق پذیری جمعیت شهر چه وضعیتی دارند؟ بین عوامل شهرسازی و مسکن این شهر چه نسبتی برقرار است؟ آیا فضاهای باز و عمومی مجتمع های مسکونی، با توجه به ناچیز بودن ابعاد پلان های معماری، می توانند به خواسته ها و نیازهای مختلف سنی و جنسی ساکنین پاسخ دهند؟ آیا فضاهای عمومی بین ساختمان های می توانند ارتباط منطقی و صمیمی برقرار نمایند؟ آیا ساکنین نسبت به مجتمع های مسکونی خویش احساس تعلق می کنند؟ پاسخ به این سئوالات و موارد مشابه در راستای ارتقای کیفی فضاهای باز و عمومی هدف اصلی این بررسی می باشد. بی تردید، اگر تحقیق حاضر در راستای مشخص ساختن خلاهای موجود و تقویت جنبه های مثبت، بتواند جایگاه شایسته مقوله های مهمی چون مسکن و شهرسازی را بطور اصولی تبیین نماید بیش از هر چیز در دستیابی به شهری سالم، پایدار و مورد قبول ساکنین و جذب جمعیت مورد نظر کمک خواهد نمود.

گرچه، احداث شهرهای جدید به عنوان برنامه ای در جهت تحقق بخشی سیاست دولت ها در عرصه کالبدی سابقه ای طولانی دارد، با این حال، توسعه گسترده آنها در قرن بیستم و بویژه پس از جنگ جهانی دوم به کشور انگلستان برمی گردد. بروز انقلاب صنعتی، تمرکز جمعیت و صنایع در شهرها، منجر به کمبود مسکن، نیاز به جابجایی جمعیت و صنایع از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و سکونتگاه های شهری جدید شد (شکوهی، ۱۳۸۱، ۹۶). توسعه رسمی شهرهای جدید در ایران، در سال ۱۳۶۴ آغاز گشت و وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان مسؤول مستقیم سیاست گذاری و مجری این مقوله مهم تعیین شد. پس از گذشت نزدیک به سه دهه از آن تاریخ، ۱۴ شهر جدید به مرحله جذب جمعیت رسیده و ۱۱ شهر جدید دیگر در مرحله مطالعه و اجرای مقدماتی طرح می باشند (بزی و افراسیابی راد، ۱۳۸۸، ۱۱۳).

با این حال، باید دانست که اغلب شهرهای جدید کشور در مرحله جمعیت پذیری، با مسائل و مشکلات متعددی مواجه می باشند. بیشتر مجموعه های مسکونی شهرهای جدید، صرف نظر از ناچیز بودن اشتغال، درآمد و زیرساخت های شهری، فاقد فضاها، امکانات، خدمات و تجهیزات شهری مناسب و ضروری هستند. سکنه، معمولاً برای تامین نیازهای روزانه خویش با تحمل فشارهای روحی، جسمی و اجتماعی به شهرهای همجوار رجوع می کنند. این در حالی است که در اثر بکارگیری سیاست انبوه سازی و کوچک سازی در جوامع شهری بزرگ، مسکن سنتی یا کلاسیک معنا و مفهوم خود را از دست داده و به دنبال کاهش عملکردها، بیش از هر چیز به یک سرپناه تقلیل می یابد؛ مجتمع های مسکونی بدون تامین عناصر و فعالیت های مکمل، گسترش می یابند. با تعبیر معماری و شهرسازی به مثابه خانه سازی، خدمات و امکانات و همینطور کیفیت فضاهای جدید نادیده انگاشته می شود. گرچه این واقعیت برای آن دسته از افرادی که در اثر فشارهای اقتصادی عمدتاً به تامین نیازهای اولیه خویش اندیشیده و دانسته یا نادانسته نیازهای اجتماعی و فرهنگی را تبعی تلقی می کنند، ممکن است چندان مسئله حادی نباشد، لیکن با گذشت زمان و تامین مشکل سرپناه به یک مسئله اساسی در عرصه زیست - اجتماعی منجر می گردد. به تعبیر نوربرگ - شولتز (۱۳۸۰، ۱۴۵) انسان در قلمرو شهری بی مکان رها می شود. این نوع فقدان مکان، بی تردید حس ضعیفی از تعلق و مشارکت به بار می آورد و به نوعی با از خود بیگانگی انسان

۱. چارچوب نظری

جوامع مختلف اغلب تعاریف متفاوتی از فضای باز ارائه می کنند. این تعاریف ممکن است دربرگیرنده فهرستی از منابع خاص همچون میدان، راه های سبز و حتی گورستان باشد. بعضی از جوامع ممکن است دیدگاه گسترده ای را برگزینند. برای مثال هر زمینی که خالی از کاربری مسکونی، اداری،

چارچوب مفهومی بحث حاضر بر اساس مفاهیم فضای باز و مجتمع مسکونی بوده که به اختصار مورد بررسی قرار می گیرند:

ساختمان های بلند مرتبه مسکونی متغیر است. داعی نژاد (۱۳۸۵)، (۲۱) به نقل از روشن بخش می نویسد: در مجتمع های مسکونی بجز مسکن شخصی، بقیه عرصه ها و فضاهای واقع در آن به شکل مشترک و مشاع می باشد. البته یک مجتمع مسکونی ممکن است تماماً از خانه های ویلایی مستقل یا آپارتمان هایی با طبقات ۲ تا ۸ طبقه حتی بیشتر شکل بگیرد. برخی از مجتمع های مسکونی کوچک و برخی بسیار بزرگ و پرتراکم هستند. اکباتان تهران با داشتن ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، نمونه ای از مجتمع های مسکونی بزرگ و متراکم می باشد (سعید نیا، ۱۳۷۸، ۸۷).

بنابراین در تعریف فضاهای باز مجتمع های مسکونی می توان گفت که بدون مالکیت شخصی بوده و غالباً با مدیریت واحد در اختیار سکنه همان مجموعه قرار می گیرند. فضای باز مجموعه مسکونی ممکن است متشکل از فضاهای جنبی مشتمل بر زمین های باز، دسترسی های پیاده و سواره، فضای سبز، فضاهای عمومی و اجتماعی، پارکینگ و توفتگاه ثابت و موقت، چشم اندازها و مناظر، مبلمان و تجهیزات، تابلوهای راهنمایی و هدایتی باشد. نقش اصلی فضای باز مجموعه مسکونی تعدیل تراکم های ساختمانی و انسانی و نیز تمهید سطوح مناسب به منظور تامین کالبد لازم برای فعالیت هایی است که امکان انجام دادن آنها در فضای بسته وجود ندارد. گرچه عملکرد این فضاها از مهم ترین مباحث برنامه ریزی شهری است لیکن در اغلب شهرها در اثر گرانی زمین به ویژه برخورد سوداگرایانه با شهر، توسعه کمی و کیفی آنها چندان مورد توجه قرار نمی گیرد.

اگر امکانات و خدمات مجتمع های مسکونی به راحتی قابل دسترس نباشد، آسایش، رفاه و راحتی ساکنین سلب شده و باعث روی آوردن مردم به خارج از محیط های مسکونی و حتی در مواردی چون فضاهای سبز به فضای بیرون از شهرها می گردد. بنابراین، از وظایف مهم برنامه ریزان و طراحان شهری آن است که تلاش نمایند تا تمامی فعالیت های روزانه و هفتگی شهروندان در فاصله مناسب قرار گیرند (جدول ۱). تحقیقات در کشورهای مختلف نشان داده اند که فاصله ۴۰۰ متری هر خانه، بیشترین فاصله ای است که مردم برای انجام کارهای عادی شان طی می کنند. تنها افراد علاقمند و پرنرژدی در فاصله بیشتر از آن، تمایل به استفاده مکرر نشان می دهند (بیرر و هیگینز، ۱۳۸۱، ۱۹۱).

تجاری یا صنعتی باشد. چه بسا دیگر جوامع این تعریف را تنها به آن مناطقی که مشمول برنامه حفاظت از مناطق تحت پوشش قانون می شود، محدود کنند (انجمن شهرسازی امریکا، ۱۳۸۶، ۱۵۲). پرلوف^۲ (۱۹۸۱، ۱۳۹) می نویسد: فضاهای باز، محل های جغرافیائی و اجتماعی درون یا مجاور شهر هستند؛ مالکیت عمومی داشته و تحت اشغال بناها و ساختمان ها نمی باشند. سونگ و ناشیمر^۳ (۲۰۰۵، ۱۶۵) در تعریف فضای باز به محصوریت یا غیر محصوریت اشاره می کنند. بر این باورند که فضای باز فاقد ساختمان است یا اینکه فضای ساخته شده آن بیش از یک بیستم فضای آزاد نیست. کل این فضا برای اهداف تفریحی و عمومی استفاده شده یا بدون استفاده باقی مانده است.

در شهرسازی معاصر به توسعه فضاهای باز به عنوان عناصر حیاتی شهر نگریسته می شود. توجیه این موضوع به این نکته برمی گردد که فضاهای باز علاوه بر فراهم نمودن نور، هوا و کلا تنفس شهر، بیش از اجزا و عناصر دیگر در فرم دهی و ارتباط نواحی و مناظر مختلف و اجرای پروژه های شهری موثر بوده و نیز در شکل گیری چشم اندازها، خوشایند بودن فعالیت ها و فضاها، درک شهروندان از شهر و کلا توسعه فضاهای تفریحی و گردشگری بسیار مفید هستند. علاوه بر این، فضاهای باز در شرایط بحرانی می توانند عملکردهای متعددی چون استقرار مراکز سیار درمانی، جمع آوری کمک ها، کنترل و مدیریت بحران و نیز اسکان موقت زلزله زدگان و مواردی از این دست داشته باشند. بیشاب و دیگران^۴ (۲۰۰۱، ۱۱۸) می نویسند: هرچه تعداد و وسعت فضاهای باز بیشتر و در عین حال با توزیع منطقی و متعادل از قابلیت دسترسی مناسب برخوردار باشند، آسیب پذیری مردم در برابر حوادث غیر مترقبه کمتر می شود.

از مجتمع های مسکونی نیز همانند فضاهای باز، تعاریف مختلفی ارائه شده است. عینی فر (۱۳۷۹، ۱۱۰) در این رابطه می نویسد: در این گونه مجتمع ها، معمولاً مالکیت بخشی از فضاهای عمومی و نیمه عمومی مشاع بوده و استفاده از آنها تابع مقررات خاص و جمعی است. مقیاس این مجموعه ها معمولاً بسیار متفاوت و از چند واحد مسکونی (مانند ساختمان هایی که به صورت تجمیع شده در یک قطعه تفکیکی ساخته می شوند) تا

جدول ۱- برخی از فعالیت های رایج در محیط های مسکونی.

گرداندن کالسه بچه ها یا خود بچه	بازی بچه ها
دویدن برای سلامتی	پارک کردن ماشین و یا سوار و پیاده شدن از آن
پیوستن به بازی های خیابانی یا توپ	نشستن و ایستادن برای:
ضربه زدن به توپ در زمین بازی و یا مقابل یک دیوار	صحبت با دوستان، خانواده، همسایه ها و رهگذرها
انجام یک ورزش جدی	رفتن به مغازه ها
نشستن در بیرون	رفتن به مدارس
در گوشه ای منتظر دوستان بودن	رفتن به ایستگاه اتوبوس
تماس با سرویس های حمل و توزیع	رفتن به نزدیکی صندوق پست
شیر، مواد غذایی، غذاهای آماده، روزنامه، پست	قدم زدن
تماس با کسانی که کارهای تعمیر و نگهداری را انجام می دهند	

می‌زند. لذا باید به کمک عوامل مصنوعی و عناصر طبیعی این توالی را به گونه‌ای تنظیم نمود که فرد به هنگام حرکت در فضاهای محله احساس راحتی نماید. نیمکت، باجه روزنامه فروشی، آب‌نما، سایه‌بان و غیره می‌تواند انگیزه ای برای دعوت ساکنان محله به دمی آسودن در خلال حرکت باشد. حتی فضاهای یک محله می‌توانند توسط خود ساکنان برای آسودن در کنار یکدیگر تجهیز شوند. صندلی‌هایی که عصرها از خانه‌ها بیرون می‌آیند و دور هم چیده می‌شوند تا محل گردهمایی سالخوردگان یک کوچه باشند، شاهدهی بر این قابلیت در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی هستند (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۰، ۱۶۰).

تردیدی نیست که دسترسی آسان به خودروی شخصی در احساس آسایش فرد موثر است، با این حال، همین عامل نباید با تصاحب شهر، آسایش و راحتی را از انسان‌ها سلب نماید. امروزه، مراکز شهر و مجتمع‌های مسکونی به پارکینگ بزرگ مبدل شده‌اند. علاوه بر آلودگی هوا، صدا، تصادفات، ترس و غیره، آنچه که در رابطه با خودرو آزارنده است، حضور بی‌مورد آن به صورت متحرک یا ساکن در فضاهای شهری و مسکونی است. برای ساماندهی به این مساله می‌توان پارکینگ‌های جمعی کوچکی با گنجایش چند اتومبیل در جای‌جای محلات با فواصل مناسب در نظر گرفت تا سرریز خودروها، محلی برای توقف داشته باشند و در غیاب آنها نیز فضا بستری برای انجام فعالیت‌های دیگر گردد.

۲. سئوالات تحقیق

پرسش اصلی تحقیق این است که فضاهای باز و عمومی مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند (تبریز) چه کیفیتی دارند؟ به تبع این پرسش، سئوالات فرعی به شرح زیر مطرح می‌شوند:
- برخی مشخصات دموگرافیکی ساکنین مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند چیست؟

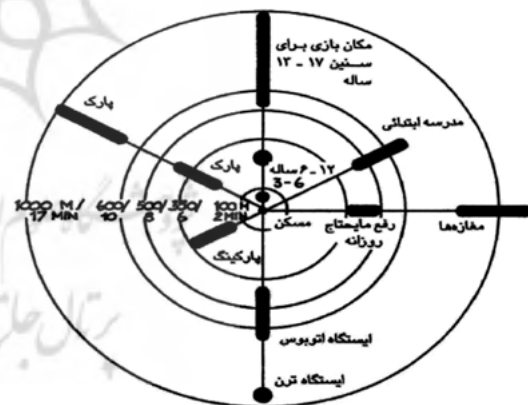
- کیفیت سازمان فضایی و کالبدی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند چگونه است؟
- تاسیسات و تجهیزات فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند از چه کیفیتی برخوردارند؟
- کیفیت ترافیک و دسترسی فضاهای باز و عمومی مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند چگونه است؟
- به منظور ارتقای کیفی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند با توجه به نتایج تحقیق و تجارب موجود چه توصیه‌هایی می‌توان ارائه نمود؟

۳. مواد و روش

پژوهش حاضر یک مطالعه پیمایشی^۱ از نوع توصیفی-مقطعی است. در این پژوهش براساس فرمول کوکران ۳۳۰ خانوار از مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری مشاهدات از پرسشنامه و مصاحبه

هانس پاول باردت^۲ معتقد است که بین شدت رابطه متقابل میان فضای عمومی و خصوصی از یک سو و هویت مسکن از سوی دیگر رابطه ای نسبی وجود دارد. عرصه خصوصی، فضای تنگ منزل و مسکن بوده و عرصه عمومی در پیرامون آن متمرکز است. هرچه این ارتباط متقابل عمیق تر باشد، محیط، شهری تر خواهد بود. برای رسیدن به این هدف بایستی از سویی تنوع فضاهای را در نظر گرفت تا از این طریق گوناگونی تجربیات امکان پذیر گردد و از دیگر سو لازم است در نسبت بین فضاهای خصوصی، نیمه عمومی و عمومی دقت فراوانی داشت. بیشترین آثار منفی روانی افراد، نتیجه کمبود تماس غیراجباری (اختیاری) بین آنان و یا به عکس زیاد بودن تماس‌های ناخواسته ولی گریزناپذیرند^۳ (گروتز، ۱۳۷۵، ۱۳۲).

اغلب مردم در محیط‌های مسکونی خویش با دیگران آشنا شده، آنها را درک و تجربه می‌نمایند و بدین ترتیب امکان ارزش‌گذاری برایشان فراهم می‌گردد. ارتباطات شخصی و اجتماعی در ترکیب و ساختار زندگی در هیچ جای دیگر مثل مجموعه‌های مسکونی با داده‌های مکان مورد نظر ایفای نقش نمی‌کنند. بنابراین، تجمع و تحرک از جمله خصوصیات است که در محدوده مسکن، باید مد نظر قرار گیرد. مجتمع‌های مسکونی باید حد و مرزی داشته باشند تا شکل واقعی خود را بدست آورند. وظیفه برنامه‌ریزان و طراحان این است که با تفکر و شناخت صحیح از مقیاس‌ها و اندازه‌ها، طرحی مناسب با فضای شهری و معماری ارائه نمایند (تصویر ۱) (شفیعی، ۱۳۸۰، ۸۳).



تصویر ۱- رابطه عملکردی فضای مسکونی با محیط اطراف بر حسب فاصله، هدف و زمان.

ماخذ: (شفیعی، ۱۳۸۰، ۸۳)

در مجتمع‌های مسکونی، تاسیسات و تجهیزات نقش مهمی در برآوردن آسایش مورد انتظار ساکنان ایفا می‌کند. کف‌سازی مناسب برای حرکت پیاده و تأمین روشنایی کافی جهت راه‌یابی وی در شب از ابتدایی‌ترین تمهیدات لازم در راستای هدف فوق است. علاوه بر آن باید به توالی مناسب آفتاب و سایه در عرصه‌های عمومی نیز اشاره کرد. زیرا گاه تابش آفتاب چنان آزارنده است یا یخ بستن کف فضا آنقدر مشکل‌زا است که عملاً آسایش ساکنان را به هنگام حرکت در فضاهای مسکونی بر هم

بیشترین درصد (۵/۵) بین ۱۰۰-۷۵ متر مربع و کمترین درصد (۱۳/۳) بیش از ۱۵۰ متر مربع، فضای مسکونی دارند. بیشترین درصد (۵/۲) در حد متوسط رضایت داشته و کمترین درصد (۱۲/۱) ناراضی بوده اند. بیشترین درصد (۴۱/۸) از افراد پژوهش بین ۲۰ الی ۶۰ دقیقه و کمترین درصد (۹/۱) در حد صفر دقیقه گذران اوقات فراغت دارند.

بطور کلی، کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند را می توان به سه دسته کلی ۱- نامطلوب (با امتیاز ۱-۱۰۶) ۲- نیمه مطلوب (با امتیاز ۲۱۳-۱۰۷) و ۳- مطلوب (با امتیاز ۲۲۰-۲۱۴) تقسیم نمود. بیشترین درصد (۵۰/۱) واحدهای مورد پژوهش کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب و کمترین درصد (۰/۶) نامطلوب ارزیابی نموده اند. میانگین و انحراف معیار نمرات واحدهای مورد پژوهش در رابطه با کیفیت کلی فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند به ترتیب ۲/۴۹۶ و ۰/۵۱۲ بود.

یافته های بدست آمده در رابطه با هدف اول پژوهش (تعیین کیفیت سازمان فضایی و کالبدی فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر سهند) بیانگر آن بود که بیشترین درصد واحدهای مورد پژوهش (۵۶/۱)، کیفیت سازمان فضایی و کالبدی فضاهای باز مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب و کمترین درصد (۱/۸۲) نامطلوب ارزیابی نموده اند. میانگین و انحراف معیار نمرات واحدهای مورد پژوهش در رابطه با کیفیت سازمان فضایی و کالبدی فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند به ترتیب ۲/۵۴ و ۰/۵۳ بود.

یافته های بدست آمده در رابطه با هدف دوم (تعیین کیفیت تاسیسات و تجهیزات فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند) بیانگر آن بود که بیشترین درصد از افراد پژوهش (۵۹/۷)، کیفیت تاسیسات و تجهیزات فضاهای باز مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب و کمترین درصد (۸/۵) نامطلوب ارزیابی نموده اند. میانگین و انحراف معیار نمرات واحدهای مورد پژوهش در رابطه با کیفیت تاسیسات و تجهیزات فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر سهند به ترتیب ۲/۲۳۱۷ و ۰/۵۹۱۴ بود. یافته های بدست آمده در رابطه با هدف سوم (تعیین کیفیت ترافیک و دسترسی فضاهای باز مجتمع های مسکونی) بیانگر آن است که بیشترین درصد واحدهای مورد پژوهش (۶۵/۳)، کیفیت فضاهای ترافیک و دسترسی فضاهای باز مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب و کمترین درصد (۰/۶) مطلوب ارزیابی نموده اند. میانگین و انحراف معیار نمرات واحدهای مورد پژوهش در رابطه با کیفیت فضاهای ترافیک و دسترسی مجتمع های مسکونی شهر سهند به ترتیب ۲/۶۵ و ۰/۴۷۶ بود (جدول ۲).

همچنین، جهت بررسی تفاوت میانگین نمرات واحدهای مورد پژوهش در رابطه با کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر سهند از آزمون فریدمن استفاده شد که بر اساس این آزمون معنی دار بود ($P < 0/05$) (جدول ۳).

برای مقایسه دو به دو میانگین نمرات واحدهای مورد پژوهش در رابطه با اهداف ویژه کیفیت فضاهای باز مجتمع های

حضور در قالب سری منظم از سئوالات بسته و چک لیست استفاده شد. همچنین مشاهده فیزیکی و میدانی و تهیه عکس و تصویر برداشت از فضاهای مختلف محوطه ها، بخش دیگری از نظام گردآوری اطلاعات را تشکیل داد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. جهت بررسی رابطه بین برخی از مشخصات دموگرافیک و نمرات پاسخ گویان از آزمون X^2 استفاده گردید. کلیه تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS 13.0 انجام پذیرفت. برای بررسی رابطه داده های رتبه ای نیز از آزمون فریدمن و ویلکاکسون استفاده شد. در این مطالعه واحدهای مورد پژوهش را خانوارهایی تشکیل می دادند که سکونت آنها ثابت و محرز گردیده و سابقه سکونت آنها حداقل از یک سال بیشتر باشد. این پژوهش در تعدادی از مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند چون سبلان، سهند، فجر، کوثر و آذربایجان انجام پذیرفت.

ابزار پژوهش پرسشنامه ای مشتمل بر دو بخش مشخصات فردی-اجتماعی و ارزیابی کیفیت فضاهای باز و سبب مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند تبریز بود. پاسخ دهی به صورت لیکرت^۱ پنج گزینه ای کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳) مخالفم (۲) کاملاً مخالفم (۱) انجام پذیرفت. پایایی ابزار گردآوری داده ها با استفاده از روش پایایی درونی^{۱۰} ۰/۸۶ بدست آمد. برای تعیین روایی سئوالات ابتدا با مطالعات کتابخانه ای و بازنگری منابع مربوط به موضوع پژوهش، اعم از کتب، مقالات و پژوهش های انجام شده مشابه، پرسشنامه ای تهیه شد و سپس محتوی سئوالات بوسیله ۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت.

۴. نتایج

اطلاعات بدست آمده در رابطه با برخی مشخصات فردی و اجتماعی (دموگرافی) واحدهای مورد پژوهش بیانگر آن بود که بیشترین درصد (۶۱/۸) در گروه سنی ۴۵-۲۶ سال و کمترین درصد (۱/۸) در گروه سنی ۶۵+ سال قرار داشتند. بیشترین درصد (۸۴/۲) از افراد پژوهش متأهل و کمترین درصد (۱/۸) بیوه بوده اند. همچنین ۶۰/۶ درصد از افراد مورد پژوهش مذکر و ۳۹/۴ درصد مونث بوده اند. بیشترین درصد بعد خانوار (۵۷) از افراد مورد پژوهش بین ۳-۵ نفر و کمترین درصد (۳/۶) بیش از ۶ نفر بوده است. بیشترین درصد (۶۹/۱) از افراد پژوهش دو یا کمتر از ۲ نفر و کمترین درصد (۳/۶) بین ۳-۵ نفر فرزند زیر ۱۸ سال داشته اند.

بیشترین درصد میزان تحصیلات (۳۷) از جامعه آماری در سطح متوسطه و کمترین درصد (۴/۲) بیسواد بوده اند. بیشترین درصد (۲۸/۵) از افراد پژوهش کارمند و کمترین درصد (۳/۶) بیکار بوده اند. بیشترین درصد (۴۶/۷) بین ۲۵۰ الی ۵۰۰ هزار تومان و کمترین درصد (۱/۲) بیش از ۱ میلیون تومان درآمد داشته اند. بیشترین درصد (۵۷) از افراد پژوهش بین ۲-۵ سال و کمترین درصد (۷/۳) بیش از ۱۰ سال سابقه سکونت داشته اند.

جدول ۲- توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای مورد پژوهش برحسب هدف کلی و اهداف فرعی.

ردیف	هدف کلی: کیفیت کلی فضاهای باز مجتمع های مسکونی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	ردیف	هدف دوم: کیفیت تاسیسات و تجهیزات فضاهای باز مجتمع های مسکونی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	نامطلوب (۱-۱۰۶)	۲	۰/۶	۱	نامطلوب (۱-۱۵)	۲۸	۸/۵
۲	نیمه مطلوب (۱۰۷-۲۱۳)	۱۶۴	۵۰/۰	۲	نیمه مطلوب (۱۶-۳۲)	۱۹۶	۵۹/۷
۳	مطلوب (۲۱۴-۳۲۰)	۱۶۰	۴۸/۸	۳	مطلوب (۳۳-۴۵)	۱۰۲	۳۱/۱
۴	بدون پاسخ	۲	۰/۶	۴	بدون پاسخ	۲	۰/۶
۵	جمع	۳۲۸	۱۰۰	۵	جمع	۳۲۸	۱۰۰
۶	میانگین	۲/۴۹۶		۶	میانگین	۲/۲۳۱۷	
۷	انحراف معیار	۰/۵۱۲		۷	انحراف معیار	۰/۵۹۱۴	

ردیف	هدف اول: کیفیت سازمان کالبدی فضاهای باز مجتمع های مسکونی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	ردیف	هدف سوم: کیفیت ترافیک و دسترسی فضاهای باز مجتمع های مسکونی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	نامطلوب (۱-۱۷)	۶	۱/۸۲	۱	نامطلوب (۱-۱۲)	-	-
۲	نیمه مطلوب (۱۸-۳۴)	۱۸۴	۵۶/۱	۲	نیمه مطلوب (۱۳-۲۵)	۲۱۴	۶۵/۳
۳	مطلوب (۳۵-۵۰)	۱۳۶	۴۱/۴	۳	مطلوب (۲۶-۴۰)	۱۱۲	۳۴/۱
۴	بدون پاسخ	۲	۰/۶	۴	بدون پاسخ	۲	۰/۶
۵	جمع	۳۲۸	۱۰۰	۵	جمع	۳۲۸	۱۰۰
۶	میانگین	۲/۵۴۲۷		۶	میانگین	۲/۶۵	
۷	انحراف معیار	۰/۵۳۴۴		۷	انحراف معیار	۰/۴۷۶	

جدول ۳- مقایسه میانگین نمرات واحدهای مورد پژوهش در رابطه با تعیین کیفیت کلی فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر سهند بر اساس اهداف ویژه.

ردیف	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حدافل	حداکثر	Chi-Square
۱	۳۲۶	۲/۵۳۹۹	۰/۵۳۴۸۸	۱/۰۰	۳/۰۰	N= ۳۲۶ Df= ۶ Chi=۲۹۳/۷۵۷ Square Asymp.Sig= ۰/۰۰۰
۲	۳۲۶	۲/۲۲۷۰	۰/۵۹۰۱۸	۱/۰۰	۳/۰۰	
۳	۳۲۶	۲/۶۵۰۳	۰/۴۷۷۶۱	۲/۰۰	۳/۰۰	

با ۹۰/۵٪ و ۲۵۰ الی ۵۰۰ هزار تومان با ۵۲/۲٪ کیفیت فضاها را نیمه مطلوب و افراد دارای درآمد ۷۵۰ الی یک میلیون تومان با ۹۲/۱٪ کیفیت فضاها را مطلوب ابراز کردند. در رابطه با جنس نیز اکثریت افراد مذکر (۵۲/۵٪) کیفیت فضاها را نیمه مطلوب و اکثریت افراد مؤنث (۵۱/۵٪) مطلوب ارزیابی نمودند. اکثریت افراد مجرد (۶۳/۲٪) کیفیت فضاها را نیمه مطلوب و اکثریت افراد متأهل (۵۱/۱٪) مطلوب عنوان کردند. همچنین اکثریت خانوارهای بین ۳- ۵ نفر (۵۰/۵٪) کیفیت فضاها را مطلوب ارزیابی نمودند. اکثریت افراد با تحصیلات سیکل (۶۳٪) و بیسواد و کم سواد (۸۵/۷٪)، کیفیت فضاها را نیمه مطلوب و ۶۱/۶٪ افراد دارای مدرک متوسطه، مطلوب عنوان نمودند. در رابطه با شغل نیز اکثریت افراد بیکار (۸۳/۴٪)، خانه دار (۵۶/۸٪) و کارگر (۵۶/۲٪) کیفیت فضاها را مطلوب، اکثریت افراد کارمند (۵۲/۲٪) و مشاغل آزاد (۵۸/۴٪) کیفیت فضاها را نیمه مطلوب عنوان نمودند. نتایج آزمون کای دو نشان داد که بین متغیر سن، درآمد، جنس، وضعیت تاهل، بعد خانوار، میزان تحصیلات، تعداد فرزندان زیر ۱۸ سال و شغل ساکنین با کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند رابطه معنی داری وجود دارد (P < ۰/۰۱).

نتایج مطالعه ای تحت عنوان بررسی رضایت مندی از کیفیت

مسکونی شهر سهند از آزمون ویلکاکسون استفاده شد. مقایسه دو به دوی میانگین نمرات واحدهای مورد پژوهش برحسب رابطه اهداف اول و دوم، اهداف اول و سوم، و در نهایت اهداف دوم و سوم بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون معنی دار می باشد (جدول ۴).

جدول ۴- مقایسه دو به دوی میانگین نمرات واحدهای مورد پژوهش در رابطه با اهداف ویژه تعیین کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر سهند بر اساس آزمون ویلکاکسون.

آماره آزمون	هدف اول و دوم	هدف اول و سوم	هدف دوم و سوم
Z	-۹/۳۸۹ (a)	-۳/۸۳۸ (b)	-۱۱/۱۰۶ (b)
P.value	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

۵. بحث

ارتباط برخی از مشخصات دموگرافیکی ساکنین با کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند بیانگر آن بود که گروه های سنی ۲۵- ۴۵، ۴۵- ۲۶ و ۶۵+ سال به ترتیب با ۷۶٪، ۵۲/۴٪ و ۸۴/۴٪ کیفیت فضاها را مطلوب عنوان نمودند. همچنین ساکنین دارای درآمد کمتر از ۲۵۰ هزار تومان

ترکیه از استفاده کنندگان کیفیت فضاهای باز عمومی سه منطقه مختلف استانبول (سویاک، آتاکی و مال تپه) سؤال‌هایی در مورد انتخاب یکی از ۴ زوج متباین منظم/ نامنظم، جاذب/ دافع، جادار/ تنگ، زیبا/ زشت پرسیده شد. بالاترین درصد ارزیابی مثبت مربوط به مصاحبه شوندگان نواحی آتاکی و سویاک و پائین‌ترین درصد ارزیابی منفی مربوط به مصاحبه شوندگان محله مال تپه بود (Ozsoy et al, 1996, 169).

در این خصوص ارزیابی میزان رضایت مندی ساکنین مسکن دولتی ابوجا در نیجریه توسط اوکوها و بیامیش^{۱۰} (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۵٪) ناراضی خود را از چگونگی احداث واحدهای مسکونی اعلام کردند. نیمی از پاسخ دهندگان (۵۰٪) از تجهیزات و تاسیسات مسکن راضی بودند. از مدیریت مسکن نیز اکثریت پاسخ‌دهندگان (۶۱٪) اظهار ناراضی کردند. علی‌رغم عدم رضایت ساکنین از بسیاری از خصوصیات کلی مسکن، ساکنین از تسهیلات واحدهای همسایگی منطقه خود ابراز خرسندی کردند. اغلب پاسخگویان (۶۳٪) از این امکانات رضایت خاطر داشتند. در حالت کلی اندکی بیش از نصف ساکنین (۵۲٪) از خانه خود ناراضی بودند (۴۵٪). در نتایج تحقیق تان سیک (۲۰۰۰) تحت عنوان ارزیابی ذهنی از کیفیت شهری در سنگاپور بطور کلی پاسخگویان رضایت متوسطی از کیفیت زندگی داشتند. این مسئله با میانگین مبتنی بر طیف لیکرت (۳/۶۱) کیفیت زندگی در سال ۱۹۹۷ و ۳/۵۵ در سال ۱۹۹۸ روشن می‌گردد. نتایج بدست آمده از بررسی ارتباط رتبه کیفیت زندگی با ویژگی‌های جمعیتی و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی با استفاده از آزمون آنالیز واریانس^{۱۱} حاکی از آن بود که رابطه معنی‌داری بین نمرات کیفیت زندگی پاسخگویان با متوسط درآمد، بعد خانوار و میزان تحصیلات وجود داشت که با نتیجه تحقیق حاضر همخوانی دارد.

در رابطه با هدف اول یافته‌ها بیانگر آن بود که بیشترین درصد (۵۶/۱) واحدهای مورد پژوهش، کیفیت سازمان فضایی و کالبدی فضاهای باز مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب ارزیابی نموده‌اند. ۴۰٪ واحدهای مورد پژوهش در پاسخ به گویه "محوطه مسکونی شما دارای فضای تفریحی و گذران اوقات فراغت مناسب است"، ۴۰٪ "مجتمع مسکونی به نوعی مشابه فضاها و محل‌های زندگی قبلی شما است" ۶۴/۸٪ "مجتمع مسکونی دارای محوطه و ساختمان‌های مناسب (معماری) است" ۵۶/۷٪ "محل مسکونی دارای فضاها و مسیرهای انعطاف‌پذیر (قابلیت استفاده در مواقع مختلف) است"، ناراضی خود را ابراز داشتند. البته این مطلب در مطالعات میدانی نیز قابل درک بود. به این معنا که بیشتر بلوک‌های ساختمانی، کسل‌کننده و بی‌روح هستند. نمونه‌های اجرایی آنچه که نباید انجام داد بدل شده‌اند. به تعبیر یان گل^{۱۲} زندگی بین ساختمان‌ها، در بهترین حالت، نوعی طرح بعدی زودگذر است (۱۳۸۶، ۴۸).

قاسمی اصفهانی (۱۳۸۵، ۳۲۲) می‌نویسد: ناحیه انتخاب‌شده شهر جدید اندیشه، فاقد استخوان‌بندی فضایی و سازمان کالبدی تعریف شده است. بررسی جایگشت توده - فضا نشان

زندگی در شهرهای جدید سنگاپور طی سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ حاکی از آن بود که با سطح معنی‌داری ۰/۰۱، رضایت ساکنین بطور مستقیم با درآمد خانوار در ارتباط بود (Day, 1987, 294). در بررسی دیگری مشخص شد که سن بر رضایت‌مندی عمومی از فضاهای مسکونی تاثیر دارد. افراد مسن (بالای ۵۰ سال) در مقایسه با جوانان از منزل مسکونی خود، رضایت‌مندی بیشتری دارند. گالستر (۱۹۸۷) معتقد است که رضایت‌مندی مالکان مسن‌تر از رضایت‌مندی مالکان جوان بیشتر است. در سال ۱۹۹۰ پولس و همکاران نیز تاثیر ویژگی‌های فردی (سن، جنس و وضعیت اقتصادی و اجتماعی) را به ترتیب بر رضایت‌مندی از مسکن و واحد همسایگی ارزیابی کردند. نتایج تحلیلی نشان داد که سن یک متغیر پیش‌بینی‌کننده مهم برای رضایت‌مندی مسکن و واحد همسایگی بوده است. بطوری که رضایت‌مندی ساکنان مسن، از جوان‌ها بیشتر گزارش شده بود. از سوی دیگر، تاثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی و جنسیت بر میزان رضایت‌مندی از کیفیت فضاهای مسکونی پائین بود (به نقل از رفیعان، ۱۳۸۹، ۲۰۱) که با نتیجه پژوهش حاضر همخوانی دارد.

در این رابطه نتایج یافته‌های لیلاکالتانت و دای^{۱۳} (۱۹۹۲) نشان داد که بعد خانوار تاثیر عمده‌ای روی میانگین ارقام کیفیت زندگی دارد. این ارقام عموماً با افزایش بعد خانوار از ۳/۳۴ برای خانوارهایی با ۲-۱ نفر در سال ۱۹۹۷ تا ۳/۷۹ برای خانوارهای ۷ نفر یا بیشتر از آن بالاتر می‌رود. در زمینه سطح تحصیلات نیز یافته‌ها حاکی از آن بود که در هر دو مطالعه هر چه مدرک تحصیلی بالاتر باشد میانگین ارقام کیفیت زندگی نیز افزایش می‌یابد. میزان تحصیلات به طور معنی‌دار و مثبت با کیفیت زندگی در ارتباط است. یافته‌های بیشتری که خانوارهای با درآمد کم، ارزش ناچیزی به تحصیلات داده و نیز رضایت کمتری در مقایسه با خانوارهای با درآمد بالا دارند، پیشنهاد می‌کند که برنامه ریزان جمعیت و طراحان به منظور ارتقای سطح کیفیت زندگی خانوارهای کم درآمد، راه حلی پیدا کنند. البته با این تضمین که راه حل مزبور در جهت اصلاح دیدگاه آنها نسبت به تحصیلات و رسیدگی به مسائل آموزشی باشد (۴۲). نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های کاو و وانگ^{۱۴} (۱۹۹۵) که متغیر درآمد رابطه چندان معنی‌داری با رضایت کلی از زندگی ندارد همسو بوده ولی با یافته‌های دای (۱۹۹۲) و تان سیک^{۱۵} (۲۰۰۰) در تضاد است. وی می‌نویسد، میانگین ارقام کیفیت زندگی عموماً برای گروه‌های خانواری با درآمد بالا بیشتر می‌باشد (P<۰/۰۱) (۷۵). بطور کلی پاسخگویان با درآمد بالا، برای مواردی چون زندگی خانوادگی، اوقات فراغت، بیش از خانوارهای با درآمد کم ارزش قائل هستند. همچنین، این افراد رضایت بیشتری از جنبه‌های زندگی نظیر مسکن و زندگی دارند. در رابطه با هدف کلی پژوهش (تعیین کیفیت فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند) یافته‌ها نشان داد که بیشترین درصد ساکنین (۵۰/۱)، کیفیت فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب و کمترین درصد (۰/۶) نامطلوب ارزیابی نمودند. در این ارتباط، طی تحقیقی در

می‌دهد که این دو عنصر بافت شهری در ارتباط متعادل با یکدیگر طراحی نشده و حتی به لحاظ کمی نیز فضای باز سهم بسیار بیشتری را نسبت به توده به خود گرفته‌اند. توصیف اکثر ساکنین، مشابهت نسبی تعدادی از حوزه‌ها یا محلات اصلی و ورودی اصلی شهر بود. آنها برای آدرس دهی در سطح ناحیه از همین عناصر تصویر ذهنی استفاده می‌نمودند و بیشتر بر تفاوت‌های کالبدی محله‌ها از جمله مصالح آنها تکیه می‌کردند و از کاربری‌های شاخص اشاره شده کمک می‌گرفتند. البته به هر حال اکثر آنها اذعان داشتند که آدرس‌دهی در سطح محله خصوصاً به غریبه‌ها دشوار است؛ زیرا بیشتر بلوک‌ها و فضاهای بین آنها شبیه یکدیگرند و نقاط و عناصر نقش‌انگیز نیز در سطح محله‌ها به ندرت وجود دارد.

بهزادفر و رزاقی اصل (۱۳۸۸، ۵۸) در مورد شهر جدید هشتگرد می‌نویسند: فقدان اختلاط کاربری‌ها و عملکردها در مراکز محلات و جداره محورهای اصلی شهر جدید هشتگرد موجب سردی و بی‌رویی فضاهای باز محلات شده است. سطح وسیعی از بخش‌های مختلف شهر را کاربری‌های مسکونی فرا گرفته و این امر موجب ناهمگونی و فراگیری روحیه لامکانی در سطح کلان تا خرد برای شهر شده است. قرخلو و عابدینی (۱۳۸۸، ۱۸۰) طی مطالعاتی در خصوص شهر جدید سهند می‌نویسند: نگاه غالب به شهرهای جدید کالبدی و فیزیکی بوده و معمولاً چنین برداشت می‌شود که با احداث آپارتمان‌های مجلل و خیابان‌های شطرنجی می‌توان بر مسائل فائق آمد؛ در حالی که شهرها محل زندگی انسان‌هایی با افکار و عقاید مختلف بوده و جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و مردم‌شناسی از اهمیت بسیاری برخوردارند. این یافته‌ها با نتیجه تحقیق حاضر در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند به نوعی همسو می‌باشد.

در رابطه با هدف دوم پژوهش یافته‌ها نشان داد که بیشترین درصد (۵۹/۷) واحدهای مورد پژوهش، کیفیت تاسیسات و تجهیزات فضاهای باز مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب ارزیابی نموده‌اند. ۳۳/۳٪ واحدهای مورد پژوهش در پاسخ به گویه "افراد پیاده و دوچرخه بدون ترس از وسائط نقلیه می‌توانند رفت و آمد نمایند" ۴۰٪ "بین الگوهای حرکتی پیاده، دوچرخه و خودرو شخصی تعادل منطقی برقرار است" نارضایتی خود را بیان نمودند. بدیهی است آنچه به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات طراحی شهرهای جدید شمرده می‌شود، بی‌توجهی به اصل مقیاس انسانی و حضور انسان در فضاهای باز شهری و ایجاد محورهای مجهز پیاده می‌باشد. البته این مورد شامل بخش ویلایی شهر جدید سهند نمی‌گردد. بررسی‌های میدانی صورت‌گرفته نشان می‌دهد که «مسیر سبز» از عناصر مورد استقبال ساکنین بوده است. آنها علاوه بر تفریح و گذران وقت، آن را به عنوان مسیر آمد و شد و هویت دهنده محل و شهر می‌شناسند. به هر حال شهر بوسیله فضاهای پیاده‌درک یا تجربه می‌شود. با افزایش جمعیت و تراکم مسکونی شهر لازم است این فضاها بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا بدین ترتیب به توسعه شهر در مقیاس انسانی کمک نماید.

می‌دهد که این دو عنصر بافت شهری در ارتباط متعادل با یکدیگر طراحی نشده و حتی به لحاظ کمی نیز فضای باز سهم بسیار بیشتری را نسبت به توده به خود گرفته‌اند. توصیف اکثر ساکنین، مشابهت نسبی تعدادی از حوزه‌ها یا محلات اصلی و ورودی اصلی شهر بود. آنها برای آدرس دهی در سطح ناحیه از همین عناصر تصویر ذهنی استفاده می‌نمودند و بیشتر بر تفاوت‌های کالبدی محله‌ها از جمله مصالح آنها تکیه می‌کردند و از کاربری‌های شاخص اشاره شده کمک می‌گرفتند. البته به هر حال اکثر آنها اذعان داشتند که آدرس‌دهی در سطح محله خصوصاً به غریبه‌ها دشوار است؛ زیرا بیشتر بلوک‌ها و فضاهای بین آنها شبیه یکدیگرند و نقاط و عناصر نقش‌انگیز نیز در سطح محله‌ها به ندرت وجود دارد.

بهزادفر و رزاقی اصل (۱۳۸۸، ۵۸) در مورد شهر جدید هشتگرد می‌نویسند: فقدان اختلاط کاربری‌ها و عملکردها در مراکز محلات و جداره محورهای اصلی شهر جدید هشتگرد موجب سردی و بی‌رویی فضاهای باز محلات شده است. سطح وسیعی از بخش‌های مختلف شهر را کاربری‌های مسکونی فرا گرفته و این امر موجب ناهمگونی و فراگیری روحیه لامکانی در سطح کلان تا خرد برای شهر شده است. قرخلو و عابدینی (۱۳۸۸، ۱۸۰) طی مطالعاتی در خصوص شهر جدید سهند می‌نویسند: نگاه غالب به شهرهای جدید کالبدی و فیزیکی بوده و معمولاً چنین برداشت می‌شود که با احداث آپارتمان‌های مجلل و خیابان‌های شطرنجی می‌توان بر مسائل فائق آمد؛ در حالی که شهرها محل زندگی انسان‌هایی با افکار و عقاید مختلف بوده و جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و مردم‌شناسی از اهمیت بسیاری برخوردارند. این یافته‌ها با نتیجه تحقیق حاضر در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند به نوعی همسو می‌باشد.

در رابطه با هدف دوم پژوهش یافته‌ها نشان داد که بیشترین درصد (۵۹/۷) واحدهای مورد پژوهش، کیفیت تاسیسات و تجهیزات فضاهای باز مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب ارزیابی نموده‌اند. ۴۰٪ در پاسخ به گویه "محل مسکونی شما دارای تجهیزات و فضاهای بازی برای کودکان، نوجوانان و غیره است"، ۵۰/۹٪ "فضاهای پارکینگ محوطه شما دارای پوشش مناسب نظیر سایبان، درخت و پرچین می‌باشند"، ۱۸/۸٪ "جهت کنترل حوادث غیرمترقبه چون آتش‌سوزی و زلزله محوطه شما دارای تجهیزات اضطراری است" و ۵۲/۷٪ "محل مسکونی دارای علائم و تابلوهای راهنمایی و هدایتی لازم است" نارضایتی خود را بیان داشتند. زمانی که در برنامه ریزی و طراحی، بحث از یک شهر جدید درمیان است، با انتخاب سیستم‌های حمل و نقل، تاسیسات، تسهیلات و زیرساخت‌های شهری انتظار دستیابی به استاندارد بالاتری نسبت به شهرهای موجود پیش می‌آید. شهروندان شهر جدید که محل سکونت خود را از یک کلانشهر یا شهر کوچکی در منطقه با امید و آرزوهای بسیار به یک

نتیجه

در خصوص هدف دوم با توجه به همخوانی واقعیات موجود با نتیجه تحقیق حاضر، توسعه تاسیسات و تجهیزات فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند بطور اعم و تجهیزات توسعه فضاهای بازی کودکان، نوجوانان، ایجاد فضاهای پارکینگ محوطه با پوشش مناسب (نظیر سایبان، درخت و پرچین)، ایجاد و تجهیز محل مسکونی، در برابر حوادث غیرمترقبه چون آتش سوزی و زلزله و در نهایت تقویت علائم و تابلوهای راهنمایی و هدایتی محل های مسکونی بطور خاص یک ضرورت می باشد. ارائه تاسیسات و تجهیزات لازم، علاوه بر تثبیت و ماندگاری جمعیت موجود و ارتقای محیط زیست، می تواند زمینه جلب و جذب بیشتر مردم و در نهایت موفقیت شهر جدید سهند را فراهم نماید.

در رابطه با هدف سوم باید گفت که بیشتر فضاهای باز شهری برای اتموپیل طراحی شده اند. این مسئله علاوه بر فشار و ناامنی، سبب قطع رابطه اجتماعی و نادیده گرفتن سنت ها و فرهنگ جوامع نیز شده است. به این ترتیب، نقش مردمی که قرار است از محیط های باز شهری به عنوان فضاهای اجتماعی - فرهنگی استفاده کنند، نادیده انگاشته شده است. با عنایت به تجارب موجود و الهام از بافت های سنتی شهری چون تبریز و توجه به نیازهای فرهنگی و اجتماعی توصیه می شود که فضاهای باز شهری و محوطه های مسکونی مابین بدنه های ساختمانی ضروریات زندگی امروز را در بر داشته باشند. به این ترتیب مولفه های فرهنگی جامعه ضمن ارائه ترکیبی از فضاهای باز و بسته، نیازهای کالبدی، محیطی و روان شناختی جوامع را برآورده نمایند. طبیعی است که در این دیدگاه شکل کالبدی فضاها و نیازهای فرهنگی جامعه با هم ترکیب شده و وجه مشخصه خود را در شکل یک مجموعه به جای می گذارد. به این ترتیب، هویتی خاص و کلیتی منسجم همراه با بستر طبیعی شهر جدید سهند بوجود آورد. بنابراین، به موازات افزایش جمعیت شهر، برای موفقیت و جمعیت پذیری بیشتر شهر جدید سهند، چاره ای جز توسعه کمی و ارتقای کیفی فضاهای باز مجتمع های مسکونی نیست و در این میان، علاوه بر تلاش و همت مسئولین، بکارگیری تکنیک های مشارکت و همیاری ساکنین در توسعه اصولی شهر بیش از پیش ضروری خواهد بود.

مقاله حاضر درصدد بررسی کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند در منطقه تبریز است. این مطالعه از آن جهت دارای اهمیت می باشد که این شهر قرار است بخشی از سرریز جمعیت تبریز و مناطق اطراف را به خود جذب نماید. بنابراین، توسعه فضاهای باز و عمومی مجتمع های مسکونی به نوبه خود می توانند در جذب و ماندگاری جمعیت و طبعاً جذابیت بیشتر شهر کمک نمایند. همچنان که تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود نشان داد ۵۰٪ افراد نمونه، کیفیت فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند را نیمه مطلوب، ۴۸٪ مطلوب و ۲٪ نامطلوب ارزیابی نموده اند. بنابراین به موازات توسعه فیزیکی شهر، بایستی فضاهای باز مجتمع های مسکونی نیز هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی متناسب با گروه های اجتماعی توسعه یابد. طبعاً، علاوه بر عوامل اشتغال و تولید، توجه به جنبه های سرزندگی، شور و حیات و خلق فضاهای بانشاط و مناسب به سهم خود می تواند به این هدف کمک نماید. گرچه در شرایط فعلی شهر جدید سهند با داشتن تراکم فعلی و جمعیتی کم، مشکل حادی در این خصوص ندارد لیکن این مسئله احتمالاً در اثر جذب جمعیت مورد انتظار و توسعه فضاهای مسکونی با ابعاد غالباً کوچک به ویژه مسکن مهر، خود را بیشتر نشان خواهد داد.

در رابطه با هدف اول (کیفیت سازمان فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند) بایستی گفت بدنبال افزایش جمعیت شهر، بازنگری در این خصوص ضروری می نماید. بطور مشخص با توسعه فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت، محوطه های بازی کودکان و تجمع های عمومی، ایجاد بناهای جدید با سبک مناسب، فرم و مصالح بومی، مسیرهای انعطاف پذیر و جذاب می توان حد مطلوبی از فضاهای کالبدی و فیزیکی را خلق نمود. همچنین با ایجاد کارکردهای مختلط در بخش هایی از محلات و در میان بلوک های مسکونی و معابر اصلی می توان به ارتقای کیفیت شهر کمک نمود. این پیشنهاد از آن جهت اهمیت بیشتری دارد که متأسفانه در بیشتر فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند به فضاهای صرف مسکونی اهمیت داده شده و از امکانات و تجهیزات کالبدی و فیزیکی تکمیل کننده این گونه فضاها غفلت شده است.

پی نوشت ها:

او فعالیت فضاهای عمومی را در سه دسته اصلی طرح می نماید:
۱- فعالیت های ضروری یا اجباری نظیر پیاپی تا محل کار، خرید یا منتظر شدن برای اتوبوس؛ ۲- فعالیت های اختیاری (نظیر گردش و نشستن) تنها در صورتی که شرایط و مکان، این تمایل را ایجاب نماید انتخاب می شود؛ ۳- فعالیت های اجتماعی نظیر صحبت و گفتگو، تماشای مردم و رویدادهای اجتماعی که به حضور سایر مردم بستگی دارد. طبق نظر گهل، بهترین مکان های عمومی فضاهایی هستند که فعالیت های اختیاری و اجتماعی را به صورت موفقیت آمیزی تشویق نمایند.

8 field study.

9 Likert Scale.

10 Internal consistency reliability.

1 Norberg-Shultz.

2 Perloff.

3 Song and Nishimura.

4 Bishop et al.

5 Beer and Higgins Beer and Higgins.

6 Hanss Pael Bardt.

۷ کیفیت فضاهای باز و عمومی شهر به گونه های مختلف تقسیم می گردد. یکی از این موارد مهم دستورالعمل Gehl (۱۹۸۷) می باشد.

کازمی، محمد (۱۳۷۶)، ارزیابی نقش دولت در شهرهای جدید، مجموعه مقالات سمینار شهرهای جدید اصفهان، شرکت عمران شهرهای جدید.

گروتر، یورگ (۱۳۷۵)، زیباشناختی در معماری، ترجمه دکتر جهاننشا پاکزاد و مهندس عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

محمدزاده، رحمت (۱۳۹۰)، طرح بررسی کیفیت عوامل فضایی و کالبدی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند، امور پژوهشی دانشگاه تبریز.

میشل ژاک و وارنیه برتران (۱۳۸۲)، ۲۵ سال تجربه شهرهای جدید فرانسه، ترجمه محمد تقی زاده مطلق و رضا کربلانی نوری، شرکت عمران شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

نوربرگ، شولتز، کریستیان (۱۳۸۰)، ریشه های معماری مدرن (۶)، ترجمه محمدرضا جودت، فصلنامه معماری، دوره دوم، شماره ۸ + ۷، صص ۱۶۷-۱۵۹.

یان گل (۱۳۸۶)، زندگی، فضاها، ساختمان‌ها، ترجمه وحیدرضا ایزدی، فصلنامه معماری ایران، دوره هشتم، شماره ۳۰+۲۹، تابستان و پاییز، صص ۵۶-۴۸.

Bishop I.D, Ye W S Karadaglis (2001), *Experiential Approach to Perception Response in Virtual Words, Landscape Plan, Vol.54, pp115-123.*

Burby R and Weiss S (1986), *New Communities USA*, Lexington, MA: Lexington Books.

Day, R.L. (1987), *Relationship Between Life Satisfaction and Consumer Satisfaction*, In A. Coskun Samli, *Marketing and the quality of life interface*, New York.

Gehl, J. (1987), *Live Between Buildings: Using Public Spaces*: Van Nostrand Reinhold, New York.

Leelakulthanit, O and Day, R (1992), *Quality of Life in Thailand, Social Indicators Resrarch, 27, 27, pp41-57.*

Ozsoy A. etal, (1996), *Quality Assessment for Housing, A case study of outdoor spaces in Istanbul, Habita International, 20 (2), pp163-173*

Tuan Seik, Foo (2000), *Sudjective Assessment of Urban Quality of Life in Singapore (1997-1998)*, *Habita International, 24, pp31-49.*

Kau A, K, & Wang (1995), *Assessing Quality of life in Singapore*, An exploration study, nationally university in Singapore.

Perloff, Harvey S (1981), *The Quality of the Urban Environment*, Published Resources for Future, (in paper "Open Space as a New urban Resources" Marion Clawson), Inc, Johns Hopkins Press, Baltimore and London.

Song, Jehnwa and Nishimura, Yukio (2005), *Urban Open-Space for a Sustainable City: Application to the Tokyo Area*, Department of Urban Engineering Graduate School of Engineering, University Tokyo.

Ukoha, Onyekwerem & Beamish, Julia (1997), *Assessment of Residents' Satisfaction with Public Housing in Abuja, Nigeria, HABITAT ITL, 21(4), pp445-460.*

11 Willcoxon Ranks Test.

12 Leelakulthanit and Day.

13 Kau Wangs.

14 Tuan Seik.

15 Ukoha, and Beamish Ukoha, and Beamish.

16 ANOVA.

17 Yan gol.

فهرست منابع:

انجمن شهرسازی امریکا (۱۳۸۶)، تهیه طرح و انواع طرح ها، جلد اول، ترجمه گیتی اعتماد و دیگران، دفتر نشر معانی، تهران.

بزی، خدارحم و افراسیابی راد، محمدصادق (۱۳۸۸)، سنجش و ارزیابی میزان موفقیت و کارایی شهرهای جدید مطالعه موردی شهر جدید صدر، فصلنامه پژوهشهای شهری و منطقه ای، شماره دوم، صص ۱۳۴-۱۱۱.

بهزادفر مصطفی و رزاقی اصل سینا (۱۳۸۸)، سامانه نقد کیفی توسعه شهرهای جدید مبتنی بر رویکردهای طراحی شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۶۵، صص ۵۹-۵۰.

ببیر و هیگینز آن. آر و کاترین هیگینز (۱۳۸۱)، برنامه ریزی محیطی برای توسعه زمین، راهنمایی برای برنامه ریزی و طراحی محلی پایدار، ترجمه دکتر حسین بحرینی و دکتر کیوان کریمی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

داعی نژاد، فرامرز (۱۳۸۵)، اصول و رهنمودهای طراحی و تجهیز فضای باز مجموعه های مسکونی به منظور پدافند غیر عامل، مرکز تحقیقات مسکن و شهرسازی، تهران.

رفیعیان مجتبی، عسگرزاده زهرا و عسگرزاده محمد (۱۳۸۹)، ارزیابی کیفیت مجتمع های سکونتی با تاکید بر رویکرد رضایت مندی در محله نواب، فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، صص ۲۱۲-۱۹۷.

سعیدینیا، احمد (۱۳۷۸)، کتاب سبزه راهنمای شهرداری ها، جلد چهارم، گروه برنامه ریزی شهری وزارت کشور، تهران.

شفیعی، سعید (۱۳۸۰)، مبانی و فنون طراحی شهری، انتشارات اسلیمی، تهران.

شکوھی، محمد (۱۳۸۱)، نقش اشتغال در توسعه شهرهای جدید انگلستان، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۷، صص ۱۳۷-۱۲۲.

طالقانی، مجتبی (۱۳۷۸)، شهرهای جدید در عرصه رقابت، فصلنامه آبادی، شماره ۲۹، صص ۱۰-۷.

عینی فر، علیرضا (۱۳۷۹)، عوامل انسانی - محیطی موثر در طراحی مجموعه های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، صص ۱۱۸-۱۰۹.

قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۵)، بررسی حس مکان در شهرهای جدید (نمونه موردی شهر جدید اندیشه)، هویت شهرهای جدید، مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، اصفهان، شرکت عمران شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.

قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۹۰)، اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت های مسکونی)، تهران، انتشارات روزنه، تهران.

قرخلو، مهدی و عابدینی، اصغر (۱۳۸۸)، ارزیابی چالش ها و مشکلات شهرهای جدید و میزان موفقیت آنها در ایران، نمونه موردی شهر جدید سهند، فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، شماره اول، پیاپی ۱۹۲-۱۶۳.